طیف مشارکت‌جوی اصلاح‌طلب مورد هجمه شدید همفکران خود قرارگرفته‌اند

گروه فشار اصلاح‌طلبان علیه کمپین ۱۱۰ نفر

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

اختلافات میان اصلاح‌طلبان این روزها وارد مرحله تازه‌ای شده است تا آنجا که حتی برخی این تحلیل را مطرح کرده‌اند که ادامه این اختلافات منجر به انشعاب‌هایی در جبهه اصلاحات خواهد شد. در حال حاضر در این شکاف عمیق ایجادشده میان اصلاح‌طلبان، یک طرف بیانیه راهبردی جبهه اصلاحات و در سمت دیگر، بیانیه روزنه‌گشایی ۱۱۰ اصلاح‌طلب قرار دارد. طیف رادیکال اصلاح‌طلبان که در حال حاضر ریاست جبهه اصلاحات را به عهده دارند، مشخصا انتخابات مجلس دوازدهم را تحریم کردند و در نقطه مقابل در واکنش به بیانیه روزنه‌گشایی و دفاع از مشارکت در انتخابات، واکنش‌های تندی نشان دادند و همچنان تاکید کردند که قرار نیست در انتخابات لیستی داشته باشند. این نگاه منجر به ایجاد اختلافات و رفت و برگشت‌های زیادی میان اصلاح‌طلبان شده که همچنان نیز ادامه دارد. به نظر می‌رسد این اختلافات آنقدر ادامه پیدا کرده که در حال تبدیل شکاف میان اصلاح‌طلبان به گسلی میان آنهاست.

جبهه اصلاحات به صراحت می‌گوید اصلاحات یعنی ما!

بعد از انتشار بیانیه روزنه‌گشایی، جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات در واکنش به انتشار این بیانیه اعلام کرد که «این بیانیه ربطی به جبهه اصلاحات ندارد.» آذر منصوری نیز در صحبت‌های خود گفت افرادی که این بیانیه را منتشر کردند، پیش از این پیشنهادهای خود را در جبهه مطرح کرده بودند که مورد تایید قرار نگرفت. موضع جبهه اصلاحات پیش از این و در بیانیه راهبردی جبهه نیز مطرح شده بود. نگاه اصلاحات این بود که چون نظام حکمرانی راه را برای مشارکت و حضور فعال باز نگذاشته ما نیز باید به صورت مشروط در انتخابات شرکت کنیم یا انتخابات را تحریم کنیم. می‌توان گفت، منظور اصلی جبهه اصلاحات راسعید حجاریان به خوبی بیان کرد و گفت شاید روزی ماشین استصواب و حذف آرام گرفت و ماشین استصواب و حذف آرام گرفت و مجددا روزنه‌ای برای اصلاح باز شد. نگاه اصلاحات این بود که تا تغییرات برمبنای آنچه ما می‌خواهیم اتفاق نیفتد اصلاح‌طلبان نیز در انتخابات مشارکت نمی‌کنند، در نقطه مقابل اما طیف دیگر اصلاح‌طلبان نگاه متفاوتی داشتند آنها در مقابل ادعای محدود کردن حضور اصلاح‌طلبان توسط نهادهای نظارتی این گزاره را مطرح می‌کردند که بزرگ‌ترین پیروزی‌های اصلاح‌طلبان مانند آنچه در انتخابات خرداد ۷۶ رخ داد در چنین شرایطی اتفاق افتاد و اتفاقا وجود کمیسیون اقلیت‌ها در مجلس پنجم زمینه تحقق یافتن این پیروزی را فراهم کرد. جبهه اصلاحات علی‌رغم اینکه همچنان روی موضع خود پافشاری کرد و به نظرات مطرح‌شده درون جبهه درباره لزوم حضور و مشارکت توجه نکرد، در ادامه مواضع خود، این گزاره را مطرح کرد که هرگونه اقدام درباره انتخابات می‌بایست ذیل جبهه اصلاحات صورت بگیرد و افراد حق ندارند با نام اصلاح‌طلبی لیستی منتشر کنند. موضعی که محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران در نقد آن نوشت: «یعنی نه فقط جنبش اصلاحات محدود به جبهه اصلاحات است، بلکه اصلاح‌طلبی در مالکیت حاکمیت کنونی جبهه است و اگر مصلحانی بخواهند فهرست دهند باید به نام‌های دیگری که نشانه تنازل آنان از اصلاح‌طلبی است فهرست بدهند، جبهه اصلاحات به صراحت می‌گوید اصلاحات یعنی ما!» در ادامه همین مواضع بود که بعد از انتشار بیانیه روزنه‌گشایی و اعلام علنی نظر طیفی درون اصلاحات درمورد نوع کنش و نقش‌آفرینی در انتخابات، روسای جبهه تاکید کردند که این افراد و امضاکنندگان بیانیه ربطی به جبهه اصلاحات ندارند. یکی از موضوعات مشخص در این ماجرا این بود که جبهه اصلاحات تنها همین ساختار و تصمیمات آن را در قالب اصلاح‌طلبی تعریف می‌کرد و این نگاه را داشت که هرگونه اقدام برخلاف موضع رسمی جبهه، خروج از اصلاح‌طلبی به شمار می‌رود؛ در واقع احزاب اصلاح‌طلب باید از موضع رسمی جبهه تبعیت کنند و اجازه ندارند مخالف آن تصمیم عمل کنند. همین امر نیز منجر شد که دعواها درون جبهه اصلاحات و واردکردن انتقاد به امضاکنندگان این بیانیه بالا بگیرد و پایش به رسانه‌ها نیز باز شود.

بیانیه روزنه‌گشایی؛ واکنش منطقی به لمپنیسم یا فشارسیاسی به اصلاح‌طلبان؟

رسول منتجب‌نیا، عضو سابق جامعه روحانیت مبارز معتقد بود این بیانیه برای وارد کردن فشار به اصلاح‌طلبان برای مشارکت منتشر شده و گفت: «این نامه تهیه کردن، بیانیه دادن، امضا تهیه کردن و روزنه امید و... نوعی فشار سیاسی است که می‌خواهند اصلاح‌طلبان را در یک مضیقه و تنگنایی قرار دهند که وارد صحنه شوند و از لیست اینها حمایت کنند.» احمد زیدآبادی نیز در تحلیل خود به این موضوع اشاره کرد که انتخابات اسفندماه زمین بازی اصلاح‌طلبان نیست. در طرف دیگر اما حامیان این بیانیه نظرات دیگری را مطرح می‌کردند، بیژن عبدالکریمی در واکنش به انتشار این بیانیه، نوشت: «این بیانیه را می‌توان واکنشی منطقی به لمپنیسم، فضای بی‌پرنسیب و پوپولیستی به شدت حاکم شده بر فضاهای مجازی و اجتماعی کشور دانست که در تحلیل‌ها و مواضع خود به هیچ‌وجه به خطرات و تهدیدهای نظام سلطه جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل توجه ندارند... همگان باید بر این اصل تاکید کنیم که راه نجات این کشور فقط و فقط از درون مرزهای این کشور می‌گذرد و ما در برابر هرگونه تهدید و خطر خارجی، همه اختلافات -حتی بنیادین- را کنار گذاشته، در جبهه واحدی در برابر بیگانگان و دشمنان دوست‌نما قرار خواهیم گرفت.» عبدالکریمی در صحبت‌های خود به اثراتی که تحریم انتخابات به همراه دارد اشاره می‌کند و به این موضوع تاکید می‌کند که دفاع از اصل مشارکت و حضور در انتخابات یا دفاع از تضعیف آن می‌تواند نقش موثری در کاهش تهدیدها علیه ایران توسط قدرت‌های خارجی به همراه داشته باشد، امری که مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی نیز در تایید آن از ماجرای تصمیم آمریکا برای حمله به ایران به جای عراق صحبت به میان آورد، موضوعی که حضور و مشارکت ۷۲ درصدی مردم در انتخابات آن سال با نگاه به اینکه نظام حکمرانی از پشتوانه مردمی برخوردار است باعث شد تا آمریکا از حمله به ایران منصرف شود.

شکاف میان دو طیف اصلاحات در حال تبدیل شدن به گسلی میان آنها

مقصود فراستخواه از جمله امضاکنندگان این بیانیه پیش از این چیزی تحت عنوان نظریه «کنشگری مرزی» را مطرح کرده بود و در آن به این موضوع اشاره کرده بود که از زمان مشروطه تا الان همواره افرادی وجود داشتند که تلاش کردند ارتباط میان نظام حکمرانی و منتقدان یا اپوزیسیون بسته نشود، موضوعی که محمد قوچانی در یادداشت خود در روزنامه سازندگی به آن اشاره می‌کند و تاکید می‌کند امضاکنندگان این بیانیه قصد دارند تا همین «روزنه» میان حکومت و اپوزیسیون را باز نگه دارند. در ادامه اما عباس عبدی واکنش تندی به این بیانیه نشان داد و اظهار داشت این بیانیه به معنی تایید وضع موجود است و گفت: «برخی از این دوستان محترم وقتی پایش بیفتد در تندروی بی‌پروا عمل می‌کنند، ازجمله در همان روزهای اول اعتراضات ۱۴۰۱ در میان تعجب همگان هشتگ‌های آنچنانی می‌زدند و از اولین بازداشت‌شدگان بودند و روانه زندان شدند حالا چگونه دیگران را به میانه‌روی دعوت می‌کنند؟ بزرگ‌ترین دستاورد انتخاباتی ۱۴۰۰، یکدست‌سازی حکومت بود که محقق و کشور از یک بن‌بست مزمن خارج شد و مردم هم دقیقا با همین نگاه در آن شرکت نکردند و اکنون باید پاسخگوی سیاست‌های رسمی خود باشند و معلوم نیست چرا باید این مسیر را به شکل نادرستی متوقف کرد و به عقب بازگرداند؟ البته این فرآیند همچنانکه امضاکنندگان هم انتظار دارند با چنین بیانیه‌ای متوقف نمی‌شود، فقط یک زیان سیاسی متوجه دوستان می‌شود... اتفاقا این بیانیه هم از یک نظر به زیان حکومت است که راه موجود را درست دانسته و ادامه خواهد داد... در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ با تمام توان از کسی حمایت کردم که هیچ رابطه و علاقه شخصی در میان نبود و اتفاقا وی سابقه اصولگرایی داشت و این در زمانی بود که این دوستان پس از ردصلاحیت مرحوم هاشمی همه‌شان به کنجی خزیده بودند... این دوستان نمی‌توانند به این پرسش پاسخ دهند که در چه انتخاباتی شرکت نمی‌کنند. دلیل اینکه نمی‌توانند چنین پاسخی بدهند، این است که خط قرمزی برای خودشان تعریف نکرده‌اند. به علاوه مطلقا به دغدغه‌های ولو ناممکن مردم پاسخی نمی‌دهند. پس درنهایت این اقدام به زیان حکومت هم هست.» اظهارات عبدی با واکنش حمیدرضا جلائی‌پور، یکی از امضاکنندگان نامه همراه شد و او این اظهارات را غیرمنصفانه و تحقیرآمیز خواند و گفت: «بخش بزرگی از مصاحبه از جنس کنایه‌های بعضا غیرمنصفانه و تحقیرآمیز و مبتنی بر اطلاعات اشتباه و نقدهای شخصی و غیرراهبردی است که خیری در طرح یا پاسخ به آنها نیست... مهندس عبدی در بخشی از مصاحبه می‌گوید که امضاکنندگان نمی‌توانند بگویند در چه انتخاباتی شرکت نمی‌کنند و خط قرمز ندارند. این نسبت درستی به امضاکنندگان نیست. اگر در انتخاباتی نتوان گامی ولو کوچک در مسیر گشایش و مصالح ایران و اهداف مصلحان برداشت و حتی اقلیت موثر هم نتوان تشکیل داد و حتی رای اعتراضی و روزنه‌گشا هم نتواند به حفظ و تقویت نهاد انتخابات کمکی کند، خط قرمز رد شده است.... اصلاح‌جویان اگر در توافق‌سازی مهارت داشتند، از هاشمی موتلف می‌ساختند نه اینکه تخریبش کنند، در مجلس دهم با میانه‌روها ائتلاف می‌ساختند و دستاوردهایشان افزوده می‌شد به جای اینکه میانه‌روها را به سمت پایداری برانند، در حمایت از روحانی اصول ائتلاف با پرنسیب را رعایت می‌کردند و چک سفید امضا نمی‌دادند، بیش از اکنون نگران تداوم مسیر ۹۸ تا امروز می‌بودند و بیش از امروز دغدغه معکوس‌سازی روند و روزنه‌گشایی داشتند.» اختلافات و رفت و برگشت‌هایی که حالا در رسانه‌ها مطرح شده نشان می‌دهد اختلاف میان جبهه اصلاحات با امضاکنندگان بیانیه وارد مرحله تازه‌ای شده است، امری که در حال تبدیل این شکاف به گسلی میان دو طیف اصلاح‌طلبان است.

نزاع جلایی‌پور و آرمین

در ادامه همین اختلافات محسن آرمین، نایب‌رئیس جبهه اصلاحات در جلسه مجمع عمومی جبهه اصلاحات به این موضوع اشاره کرد که در جلسه‌ای با حضور علی شکوری‌راد و حمیدرضا جلائی‌پور اظهار داشته امضای این بیانیه آغاز انشعاب میان اصلاح‌طلبان است، که این امر منجر به شکل‌گیری بحث‌هایی میان آنها در جلسه شده است. آرمین در ادامه این روایت نیز نقدهایی در مورد امضاکنندگان بیانیه روزنه‌گشایی مطرح و ضمن تاکید براینکه امضاکنندگان این بیانیه جزء اقلیت هستند، گفت: «دوستان اقلیت معتقدند در شرایط کنونی باید کنشگری مرزی کرد و دوستان اکثریت معتقدند شرکت در انتخابات ۱۱ اسفند نه کنشگری مرزی بلکه کنشگری بدون مرز است، زیرا فضا چنان بسته و جامعه چنان مستاصل، معترض و خشمگین است که شرکت در انتخابات به هیچ نتیجه‌ای که متضمن خیر عمومی باشد، ختم نمی‌شود.» جلایی‌پور نیز به این اظهارات واکنش نشان داد و اعلام آنچه در جلسه گذشته بود را نسنجیده دانست و در پاسخ گفت: «تفاوت راهبردی است میان نیرویی که به نام جامعه‌محوری، کنشگری انتخاباتی را از ماه‌ها قبل از انتخابات رها می‌کند و نیرویی که متوجه است در شرایط ساختاری امروز حتی کار موثر جامعه‌محور و تقویت قدرت متشکل هم مستلزم ایجاد حدی از گشایش و پذیرش در نهادهای حکمرانی است. تفاوت راهبردی است میانه نیرویی که مردم‌سالاری و توسعه را اهداف اصلاحات می‌داند و نیرویی که آن را پیش‌نیاز اصلاحات می‌بیند. تفاوت راهبردی است میان نیرویی که خط قرمزش فقط خشونت است، با نیرویی که خط قرمزش خشونت و تدریجی‌گرایی و حاکمیت قانون است. تفاوت راهبردی است میان نیرویی که دنبال «فشار همه‌جانبه» به حکومت است و نیرویی که می‌خواهد برای دموکراسی و توسعه در میان حکمرانان ائتلاف و ذی‌نفعان وسیع‌تر بسازد. تفاوت راهبردی است میانه نیرویی که شدت بحران‌ها را عامل گشایش می‌داند و نیرویی که دغدغه‌اش حل بحران‌ها است. تفاوت راهبردی است میان نیرویی که کاهش فشارها و تهدیدها و تحریم‌های خارجی را هم در تصمیم سیاسی‌اش لحاظ می‌کند و نیرویی که صرفا به سیاست داخلی نگاه می‌کند. تفاوت راهبردی است میان نیرویی که دنبال مشروعیت‌زدایی و تشدید دغدغه بقای حاکمیت است و نیرویی که امنیت و ثبات و کاهش دغدغه بقا را لازمه توسعه و بسط دموکراسی پایدار می‌داند. هر دو سر این طیف، هم در جبهه و هم در سطح رهبران و نهادها و رسانه‌ها و بدنه احزاب و نیروهای فکری مصلح کشور حامیانی دارند و پاره‌ای از نیروها مثل خود آرمین هم جایی بین دو سر ایستاده‌اند.»

حداقل حقی برای نظرات مخالف قائل شوید

کنش فعلی و اختلافات میان اصلاح‌طلبان را می‌توان در چند مورد تحلیل کرد؛ در یک سمت طیفی از اصلاح‌طلبان میانه‌رو به خوبی متوجه این امر شده‌اند که ادامه روند فعلی در جبهه اصلاحات آنها را مشخصا به سمت رادیکالیسم هل می‌دهد و تلاش دارند با ارائه نظرات و سیاستگذاری تصمیمی برای جلوگیری از ورود به این راه اتخاذ کنند که شرکت و نقش‌آفرینی در انتخابات از جمله مواردی است که مشارکت موثر احزاب در آن می‌تواند از ورود آنها به رادیکالیسم جلوگیری کند. در ادامه نیز اصلاح‌طلبان میانه‌رو قصد ندارند از حضور در عرصه‌های قدرت حذف شوند و تنها راه ادامه اصلاح را در حضور در عرصه‌های قدرت و حکمرانی، محقق می‌دانند ولو اینکه این حضور کم باشد یا طیفی از اقلیت را در مجلس به همراه داشته باشد. در نقطه مقابل اما نگاه افراد رادیکال جبهه اصلاحات این است که دیگر نمی‌توان از طریق حضور در انتخابات تغییر ایجاد کرد. این طیف نظام حکمرانی را مقصر نارضایتی‌های به‌وجودآمده می‌دانند و بدون اینکه نقش و تقصیری را متوجه خود بدانند، نظام حکمرانی را مسئول بهبود شرایط و ایجاد فضا برای مشارکت می‌دانند. آنها پیش از این نیز این گزاره را مطرح می‌کردند که باید برای تحقق اصلاح‌طلبی به جای صندوق رای و حضور در قدرت راه دیگری پی‌گرفت و آن را در میان مردم جست‌وجو کرد اما آلترناتیوی در این رابطه ارائه نمی‌دهند. امری که به نظر می‌رسد، چیزی بیشتر از دنبال کردن اعتراضات در کف خیابان و رادیکالیسم نیست. جبهه اصلاحات در ادامه این مسیر حتی وارد نزاع با اعضای درون جبهه نیز شده و در موضعی تمامیت‌خواهانه حتی اجازه پیگیری نظرات و مسیر مورد نظر دیگر اصلاح‌طلبان را نمی‌دهد و در ادامه هم فشارهای زیادی به امضاکنندگان بیانیه روزنه‌گشایی وارد کرد که نظری مقابل نظر جبهه اصلاحات داشتند و عملا این گزاره را مطرح می‌کنند که اگر ما نیاییم دیگر اصلاح‌طلبان هم حق حضور ندارند؛ امری که در این دوره به صورت جدی از جانب رادیکال‌های اصلاح‌طلب مطرح شده است. جبهه اصلاحات و اتحاد ملتی‌ها در حالی نقد را متوجه خالص‌سازان و نهادهای نظارتی انتخاباتی می‌دانند و آنها را محکوم به محدود کردن فضا برای مشارکت و حضور گروه‌های متکثر در انتخابات می‌دانند که خود نیز عملا در واقعیت در حال حرکت در این مسیر هستند و حاضر نیستند فضا را برای حضور و مشارکت دیگر طیف‌های اصلاح‌طلب که نظری متفاوت با آنها در مورد انتخابات دارند، باز بگذارند. جبهه اصلاحات برخلاف اینکه شعارهای زیادی در مورد آزادی و فراهم کردن ملزومات آن ارائه می‌دهد اما در درون جبهه در واکنش به اقدامات و فعالیت‌های طیف معتدل اصلاح‌طلبان آنها را اقلیت می‌داند و مدام به این گزاره تاکید می‌کند که مسیر و سیاست اصلاحات همان چیزی است که به صورت رسمی در جلسه مورد اجماع قرار گرفته و منتشر شده است. در حقیقت جبهه اصلاحات نمی‌تواند این گزاره را بپذیرد که طیفی نظری مخالف با آنها دارند و درواقع به دنبال ساکت کردن آن هستند. این مواضع را می‌توان در ادامه حرکت در مسیر رادیکالیسم دانست؛ امری که ادامه آن احتمال جدایی طیف معتدل اصلاح‌طلبان را از جبهه به دنبال خواهد داشت و در ادامه نیز عملا جبهه را در موضع تقابل با نظام حکمرانی قرار خواهد داد.

افزایش مراجعات سرپایی به مراکز درمانی از شیوع ویروس‌های مختلف در کشور خبر می‌دهد

اجلاس بین‌المللی ویروس‌ها در روزهای پایانی سال

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

گلودرد، سردرد، بدن درد و گاهی هم بی‌اشتهایی همه جزء علائم بیماری شایع این روزها هستند. احتمالا خودتان یا آدم‌های اطراف‌تان به بیماری‌ای که هم شبیه به آنفلوآنزاست و هم شبیه به سویه امیکرون، مبتلا شده‌اید. برخی از پزشکان اورژانس و درمانگاه‌ها در صفحات شخصی خود از وضعیت بیماری این روزهای مردم هم نوشته‌اند که وضعیت عین روزهای ابتدایی همه‌گیری کروناست و مراجعان سرپایی تعدادشان به وضوح بیشتر شده است. معلوم نیست که کروناست، آنفلوآنزا یا آدنو ویروس؟ بعضی هم معتقدند که با کتری مایکوپلاسما است. آدمینو محرز، رئیس انستیتو پاستور ایران معتقد است سویه شایع شده امیکرون است. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «در زمان سال نو میلادی، رفت و آمدها و مسافرت‌ها در جهان زیاد شد و ایران هم جدا از دیگر کشورهای جهان نیست. برای همین اکنون مقداری بیشتر از قبل بیماران مبتلا به کووید می‌بینیم که همین سویه جدید است. معمولا از آزمایشگاه‌های مختلف ایران، نمونه‌هایی برای انستیتو پاستور می‌فرستند که تعیین سویه شود. اکنون انستیتو پاستور اعلام کرده که این سویه، همان سویه جدیدی است که در همه جای دنیا همه‌گیر شده است.»

تعداد بیماران از قبل بیشتر شده است

برخی از پزشکان معتقدند که ویروس‌های مختلفی در کشور در حال گردش است و مشخص نیست در هر پیک و همه‌گیری دقیقا مردم به کدام سویه مبتلا هستند. مینو محرز در پاسخ به این موضوع نیز افزود: «در زمستان ویروس‌های تنفسی زیاد است. در اوایل زمستان که خیلی‌ها مبتلا می‌شدند، کووید غالب بود. بعد آنفلوآنزا غالب شد و بعد زینو ویروس و آدنو ویروس غالب شد. به خصوص آدنو ویروس که علائمی مانند سرفه‌های طولانی و قرمزی چشم داشت. همه اینها با هم بود. اکنون اما تعداد بیشتری بیمار کووید می‌بینیم که این کووید جدید پس از مسافرت‌های سال نو میلادی تشخیص داده شد. وگرنه همه آن ویروس‌ها موقعی که سرماخوردگی و ویروس‌های تنفسی شایع بودند، هم شایع بودند. مردم توانایی انجام آزمایش پی‌سی‌آر مداوم ندارند. این‌گونه نیست که هیچ ویروسی پیش از شیوع سویه جدید، شایع نبود و یکباره یک سویه شایع شده باشد. همیشه بوده و این سویه که در طی مسافرت‌های سال نو پخش شده، در کشورمان هم منتشر شده است. بعد از سال نو یک اپیدمی از ویروس‌های شایع جاهای دیگر داریم.» محرز همچنین در رابطه با نگرانی برای افزایش مرگ‌ومیر در صورت شیوع بیشتر سویه جدید ادامه داد: «تعداد بیماران نسبت به قبل بیشتر شده است. در هرصورت بعضی از هموطنان که بیماری زمینه‌ای دارند یا سن‌شان بالاست، بستری می‌شوند. حتی علائم کمی در ریه مانند گرفتاری ریه هم دارد. بنابراین باید مردم همیشه مراقب باشند که این بیماری می‌تواند در شرایط خاص، شدید باشد. اما به شدت سویه ووهان و دلتا نیست اما در هر صورت موجب بستری شدن در بیماران زمینه‌ای و سن بالا شده ولی امیکرون است و به شدت دلتا نیست.»

با ماسک از خودمان محافظت کنیم

رئیس انستیتو پاستور ایران درباره مقاوم بودن یا نبودن این سویه در برابر واکسیناسیون نیز ادامه داد: «پس از ایجاد جهش در ویروس اولیه، دیده شد که واکسن‌هایی که برای جهش اولیه ساخته شده بود، خیلی روی این جهش جدید امیکرون تاثیری ندارد. واکسن‌های جدید هم در ووهان و آمریکا ساخته شد. به کمپانی‌ها سفارش واکسن جدید داده می‌شود و مردم هم واکسن جدید تزریق می‌کنند اما باز هم درگیر می‌شوند و واکسن تاثیری ندارد. بنابراین خیلی نمی‌توان روی واکسن حساب باز کرد. سازمان جهانی بهداشت بیش از یکسال است که وقتی سویه جدیدی در جهان شایع می‌شود، همان سه اصل ماسک، شستن مرتب دست‌ها و فاصله فیزیکی را توصیه می‌کند. اکنون هیچ‌کس ماسک نمی‌زند. در مترو و اتوبوس و مکان‌هایی که جمعیت زیاد است باید ماسک زد. به خصوص اینکه در دورانی هستیم که جریان هوا در فضای بسته کمتر است و مانند تابستان نیست که هوا جریان داشته باشد تا شدت ویروس‌ها در هوا کمتر باشد. درنتیجه مردم باید آن سه اصل را رعایت کنند. یعنی ماسک بزنند که می‌بینیم نمی‌زنند. من تقریبا هر روز از هرجایی عبور می‌کنم، می‌بینم مردمی که از مترو پیاده می‌شوند ۹۵ درصدشان ماسک نمی‌زنند. مردم باید تشویق شوند که راه جلوگیری از شیوع سویه جدید، ماسک زدن است. اما باز هم تاکید می‌کنم که این سویه، زیرسویه امیکرون است و سرعت انتقال امیکرون زیاد است. در خانواده و در جامعه به سرعت پخش می‌شود. در خانواده آن فردی که بیماری زمینه‌ای یا سن بالا دارد، موجب بستری شدنش می‌شود. ولی شدت سویه دلتا با گرفتاری قلب و ریه را ندارد. اما بیماران زمینه‌ای هرچه کمتر این ویروس‌ها را بگیرند، بهتر است.» محرز همچنین تصریح کرد که ماسک زدن، امری موقتی نیست و ما فعلا این ویروس‌ها را داریم. بنابراین برای محافظت از خودمان باید در محیط‌های بسته، ماسک بزنیم. مهم‌تر از همه نیز اگر مریض هستیم، سرکار نرویم و کودکان‌مان را به مهدکودک و مدرسه در صورت بروز علائم، نفرستیم. مایعات خوب استفاده کنیم تا هم دوره بیماری را به خوبی سپری کنیم و هم اینکه در دوره انتقال بیماری، از انتقال آن به دیگران جلوگیری شود.

ویروس شایع‌شده آنقدرها هم جدید نیست

علیرضا ناجی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و ویروس‌شناس معتقد است که ویروس شایع‌شده آنقدرها هم جدید نیست ولی اعلام شده که در ایران به تازگی شایع شده است. ناجی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «این ویروس اواخر سال ۲۰۲۳ میلادی شایع شد که همان b.۲.۲۸/۱۱ است. یعنی درواقع این ویروس همان ویروس پیرولایی است که از چند ماه پیش به وجود آمده بود و با سویه ba۲ ما تفاوت داشت. پیرولا نزدیک ۳۰ متاسیون نسبت به ba۲ تفاوت داشت و تغییرات زیادی پیدا و در نقاط مختلف هم شیوع پیدا کرده بود. این جی. ای. وان نشات گرفته از همین پیرولا است اما یک تغییر بیشتر دارد و آن این است که سرعت انتشارش بسیار بالا رفته است. اگر بررسی کنیم، می‌بینیم مثلا در آمریکا بین ۸۳ الی ۸۸ درصد از وارینت‌هایی که به ماه ژانویه یا همین بهمن ماه منتشر شده، مربوط به همین سویه جی. ای. وان مربوط است. اگر با پیرولا مقایسه کنیم، می‌بینیم که این سویه سرعت انتشار بسیار بیشتری داشته و پیرولا آنقدر گسترش پیدا نکرد.»

سویه جدید بیماری شدیدتری ندارد

ناجی توضیح داد: «یک متاسیون باعث شده که یا سرعت انتشار بالاتری پیدا کند یا در برابر سیستم ایمنی مقاوم‌تر باشد و این مزیت را نسبت به سایر زیرسویه‌های امیکرون دارد. پیش‌بینی شده که این زمستان جی. ای. وان در تمام دنیا گسترش پیدا می‌کند و به عنوان سویه غالب مطلق دربیاید. علی‌رغم تغییرات بسیار زیاد جی. ای. وان اما به نظر نمی‌رسد که بیماری بسیار شدیدتری داشته باشد. همان شدت امیکرون است و خوشبختانه میزان بستری افراد مثل قبل است. زیاد تفاوت ندارد. اما در مورد واکسیناسیون باید گفت که واکسن‌های سویه و زیرسویه‌های امیکرون ساخته شده و هرچند مستقیما علیه پیرولا نیست اما به نظر می‌رسد که همین واکسن‌های آپدیت شده می‌تواند به مقدار زیاد از ایجاد عفونت، مرگ‌ومیر و بستری شدن در بیمارستان و آی سی یو جلوگیری کند.»

کودکان یکی از راه‌های انتقال و گردش ویروس‌های جدید هستند

ناجی در توضیح شرایط فعلی‌مان نیز گفت: «درحال حاضر، ما شرایطی داریم که ویروس‌های مختلف درحال گردش هستند. از شهریور ماه فعالیت ویروس‌های تنفسی مانند آنفلوآنزا را داشتیم و نسبت به سال‌های قبل که سایر ویروس‌ها به جز کووید، فعالیت بسیار پایینی داشتند اما امسال فعالیت‌شان بسیار بالا بود. علل آن هم متعدد است. یکی از علل می‌تواند این باشد که مردم مثل قبل رعایت نمی‌کنند و ماسک نمی‌زنند. همچنین در این چند سال هم مقاومت نسبت به سایر ویروس‌ها به جز کووید بسیار پایین آمده است. انتظار ما این بود که شیوع بالایی از آنفلوآنزا و سایر ویروس‌های تنفسی دیگر داشته باشیم. شیوع آنفلوآنزا در اوایل پاییز بسیار بالا بود. اواخر پاییز کم شد و دوباره در اوایل زمستان شدت گرفت. کووید هم الان فعالیت بیشتری دارد و مقدار بیشتری از ابتلا به این بیماری را در کشورمان می‌بینیم. ویروس‌های دیگری هم درحال گردش هستند. درواقع ما الان طیف وسیعی از ویروس‌های تنفسی داریم که در جامعه درحال گردش هستند. عامل گردش ویروس هم بیشتر کودکانند. قبلا مدارس تعطیل بود و الان تعطیل نمی‌شود. کودکان به مدرسه می‌روند، مبتلا می‌شوند و باعث می‌شوند که خانواده‌ها هم این ویروس را بگیرند. الان بسیاری می‌گویند که بچه‌ها بسیار سرما می‌خورند، بیماری‌های سختی می‌گیرند و سردرد، سینوزیت و علائمی از این دست دارند.»

ویروس‌ها درحال تغییرند

این ویروس‌شناس در ادامه گفت: «الان در شرایطی هستیم که ویروس‌ها تغییر کرده‌اند. همین ویروس آنفلوآنزا نسبت به چند سال قبل تغییر پیدا کرده است. همچنین کووید را هم می‌بینیم که همچنان درحال تغییر کردن است. اما باید چکار کنیم؟ اولین امر، واکسیناسیون است. واکسن آنفلوآنزا در دسترس است. موجود بود و خیلی خوب بود اگر همه افرادی که در خطر هستند، اواخر شهریور یا اوایل مهر واکسیناسیون می‌کردند. اگر کسی در خطر است و واکسن نزده باشد و در عین حال به واکسن دسترسی دارد، خوب است که واکسن آنفلوآنزا بزند. ما در ایران همچنان به واکسن‌های آپدیت شده کووید دسترسی نداریم. این معضل و نقص است و پیش‌بینی نشده بود اما رعایت‌های بهداشتی را می‌توانیم مجددا شروع کنیم. ماسک بزنیم، دست‌هایمان را بشوییم و در محیط‌های پرازدحام وارد نشویم یا فاصله را رعایت کنیم. اگر فردی بیماری و ناخوشی دارد، در جمع نرود و استراحت کند. نزدیک افرادی با علائم سرماخوردگی نشویم. مجموع این بهداشت اجتماعی، باعث می‌شود که گردش ویروس کم شود و افراد کمتری مبتلا شوند.»

سرعت انتقال بیشتر است اما مرگ‌ومیر نه!

ناجی همچنین در رابطه با بیماری شایع شده در چند هفته اخیر نیز گفت: «بیماری‌های تنفسی مجموعه علائمی می‌دهند و به اصطلاح می‌گوییم که سندرم ایجاد می‌کنند. در بعضی از افراد برخی علائم را ایجاد می‌کنند و در برخی دیگر هم یک دسته دیگر از علائم ایجاد می‌کند. از روی علائم نمی‌توانیم تشخیص بدهیم چه ویروسی است و با توجه به ویروس‌هایی که درحال چرخش است، باید تشخیص آزمایشگاهی بدهیم. درحال حاضر ویروس‌های مختلفی می‌چرخند. هم آنفلوآنزا، هم کووید و هم اچ. ام. پی. وی است و هم پاراآنفلوآنزا و موارد متعددی از ویروس‌های تنفسی دیگر درحال چرخش هستند. برای همین براساس علائم، سخت است که تشخیص دهیم و باید تشخیص آزمایشگاهی داد. در این سویه اما آمار مرگ‌ومیر هیچ افزایشی نداشته است. با وجود اینکه سرعت انتقال بیشتر است و شیوع خیلی بالایی دارد اما به نظر نمی‌رسد که از سایر سویه‌های امیکرونی، بیماری شدیدتری به وجود بیاورد یا مرگ‌ومیر بیشتری داشته باشد.»